

# تعلیم و تربیت آزاد

از آثار توماس هاکسلی

« توماس هنری هاکسلی (۱۸۹۵ - ۱۸۲۵) از بزرگترین علمای طبیعی قرن نوزدهم انگلستانست. هاکسلی از مبلغین بزرگ نظریه « تکامل » است و دو پیرو مهم دیگر این نظریه چنانکه خوانندگان میدانند « داروین » و « اسپنسر » میباشند. هاکسلی گذشته از تحقیقات علمی و تبلیغ و اشاعه نظریات علم عالم و فیلسوف اجتماعی هم بوده و مقالات او در فقه اجتماعی و تعلیم و تربیت از شاهکارهای این رشته ادبیات است. ذیلا یکی از مقالات او که عنوانش « تعلیم و تربیت آزاد » میباشد ترجمه میشود. »



حقیقتی ساده و آشکار است که موفقیت و خوشبختی هر يك از ما و آنانیکه بما مربوطند وابسته باینست که قوانین بازی و نبرد را که باسم زندگانی در پیش داریم، و بمراتب از بازی شطرنج سخت تر و دقیقتر است، خوب بدانیم. قرون بيشمار است که این بازی شروع شده و ادامه یافته و هر يك از ما یکی از دو حریف این نبردیم. گیتی تختۀ شطرنج است، مهره های آن وقایع عالمند و قواعد بازی همانست که ما قوانین

---

۱- مقصود از تعلیم و تربیت آزاد تعلیم و تربیت وسیعی است که علوم استعداد های شخص را نشوونما دهد و پیروانند و باعث ترقی قوای مختلفۀ عقلانی، اخلاقی، احساساتی و بدنی شود برخلاف تعلیم و تربیت فنی و شغلی (مثل طب و حقوق و غیره) که شخص را در بکرشته متخصص میکند.

طبیعت میخوانیم. در این بازی حریف مقابل خود را نمی بینیم چه از نظر مایه‌پنهان است ولی میدانیم که این حریف امین، دقیق و صبور است و نیز میدانیم که این حریف هیچوقت خطای ما را از نظر نمیگذارد و از خبط ما چشم پوشی نمی‌کند. کسیکه چشمان خود را باز کرده دقیق باشد و خوب بازی کند بموقفیت میرسد و بدریافت عالیترین جوایز و افتخارات نائل میگردد و آنکه بد بازی کند بزودی شکست میخورد، آرامی‌ها مات میشوند و افسوس و ندامت او را سودی نمیدهد.

بعقیده من تعلیم و تربیت صحیح آموختن قوانین این نبرد است. بعبارت دیگر تعلیم و تربیت آنستکه قوای عقلانی بر وفق قوانین طبیعت بار آورده شود مقصود از قوانین طبیعت نه تنها اشیاء و قوانین آنها بلکه اشخاص و طبایع آنان نیز میباشد، تعلیم و تربیت صحیح امیال و اراده را چنان پرورش میدهد که جز برطبق این قوانین بروز فعالیت نکنند. در نظر من این تنها وظیفه ایست که تعلیم و تربیت بعهدہ دارد. چیزیرا میتوان تعلیم و تربیت خواند که با این میزان سنجیده شده و از این امتحان صادق در آید و اگر موافق این میزان نباشد هر چند اشخاص معتبر و زیادی هم طرفدار داشته باشد من آنرا تعلیم و تربیت نمیدانم.

باید دانست شخصیکه مطلقاً از تعلیم و تربیت برکنار باشد هرگز وجود نداشته است مثلاً فرض کنید که مردیرا مثل حضرت آدم ناگهان بدنیا بفرستند، خیال میکنید تا چه مدتی این شخص کاملاً خام و بی تربیت خواهد ماند؟ بمجرد ورود بدنیا طبیعت بآموزگاری او قیام کرده از راه چشم و گوش و لمس به تربیت او میپردازد و خواص اشیاء را باو میآموزد. لذت و الم بتعلیم او برخاسته و باو یاد میدهند که چه کاری را باید بجا آورده و از چه کاری باید اجتناب کرد. بتدریج این شخص تربیتی خواهد یافت که اگرچه دایره آن تنگ است ولی تربیتی عمیق و حقیقی است، گرچه هیچ کاری

هم از دست او برنیاید.

اگر باین آدم ثانی از بهشت آدم دیگر، یا بهتر است بگوئیم حوائی مهمان برسد دنیای بزرگ و جدیدی که دنیای زندگانی اجتماعیست در مقابل او گدوده خواهد شد. از این روابط جدید لذات و آلامی نتیجه خواهد شد که نفوذ آن در روح او بر مراتب بیشتر از لذات و آلام انفرادی اوست. شادی و غم جای لذت و درد فردی را خواهد گرفت اما هنوز هم رفتار و کردار او محکوم حکم قوانین طبیعت یعنی قوانین طبیعت بشری خواهد بود.

هر يك از ما وقتی که بجهان ورود کردیم در آن همانقدر غریب و بیگانه بودیم که حضرت آدم بوده است، سالها پیش از آنکه دیگران بتربیت ما بپردازند طبیعت بتربیت ما قیام کرد و در هر لحظه زندگی بما درسهای آموخت و کردار ما را بر طبق قوانین خود بار آورد.

این تربیتی که طبیعت عهده دار آنست برای هیچکس بی پایان نرسیده و شخص هر چند پیرهم که باشد هنوز تربیت طبیعی او ادامه دارد، برای هرکس دنیا بهمان تازگیست که در روز اول بود و اگر شخص چشم بینا داشته باشد دنیا هنوز دیدنیهای بسیار دارد. طبیعت هنوز در دانشگاه بزرگ گیتی که همه ما عضو آنیم، با صبر و طاقت زیاد بتربیت ما مشغول است آنانکه در آموزشگاه طبیعت خوب کار کرده و قوانین آن را خوب یاد بگیرند بدریافت بزرگترین افتخارات نائل میگرددند. آنها هستند که بزرگان و پیشوایان جهان و بشریت میشوند. اکثریت مردم طبقه متوسط دانش آموزان را تشکیل میدهند که تنها میکوشند تا در امتحانات خود مردود نشوند. آنانکه اصلا کار نمیکند و نمیخواهند چیز یاد بگیرند شکست میخورند و رد میشوند. شکست از این امتحان یعنی فنا و هلاک مطلق.

باین طریق تربیت اجباری را قبول کرده و هزاران سال قبل قانون آنرا تصویب نموده است. این قانون مانند تمام قوانین خونسرد و بیملاحظه است، نادانی و نافرمانی بیکنوع تشبیه میشود، آنانیکه بیهوش و کم ظرفیتند بهمان مجازاتی گرفتار میشوند که آنانیکه عمداً سر باز میزنند و مرتکب جرم میشوند. طبیعت نه قبل از تشبیه اخطار میکند و نه بعد از آن. تنها بزمین میزند و خرد میکند و بیدا کردن علت آنرا بخود مجرمین وامیگذارد. تربیتی که دست انسان در آن دخالت دارد و میتوان آنرا تربیت مصنوعی خواند غایت و مرامش باید آن باشد که نواقص تربیت طبیعت را جبران کند و کودک را آماده نماید که بدون نافرمانی و خود سری با رضای نفس آنرا بپذیرد. باید کودک را چنان بار آورد که قبل از آنکه مشت طبیعت بسر او بخورد از خشم طبیعت آگاه شود و خط سیر خود را تغییر دهد.

تربیت آزاد آن قسم از تربیت مصنوعیست که شخص را چنان بار می آورد که گذشته از آنکه از خشم و تشبیه طبیعت در امان میماند برانگیختن او نیز قادر میآید تا بدریافت افتخارات و جوایز طبیعت نائل گردد و از آنها لذت برد و بهره گیرد.

بعقیده من کسی تعلیم و تربیت آزاد داشته است که در جوانی بدن او چنان بار آورده شده باشد که خدمتگذار و فرمانبردار صمیمی او بوده او را در نهایت خوبی انجام دهد و بعبارت دیگر بدن او یار او باشد نه با او. کسی دارای تربیت آزاد است که ماشین عقلانی او باسانی، خونسردی و انتظام کار کرده آماده باشد که بهر کاری که گماشته میشود آنرا بنهایت دقت و کمال انجام دهد. کسی دارای تعلیم و تربیت آزاد است که در روح خود حقایق و قوانین اساسی و مهم طبیعت را ذخیره کرده و همیشه آنها را هادی خود قراردادده باشد؛ کسیکه شعله حیات در او سخت روشن و مشتعل بوده و وظائف زندگانی خود را بنهایت حرارت و اشتیاق انجام دهد، این شخص امیال

و شهوات خود را تابع عقل و اراده کرده و در هر امر از حکم و قضاوت وجدان پاک خود پیروی میکند، این شخص چنان تربیت شده است که از جمال و زیبایی خواهی خواهی زیبایی طبیعت باشد یا زیبایی هنر و صنعت بهره میگیرد و لذت میبرد، این شخص شخصیت دیگران را چون خود بزرگ و محترم می شمارد.

در نظر من تنها این شخص را میتوان گفت تعلیم و تربیت آزادی داشته و حقیقهٔ تربیت شده است و انسان کاملیست که بر طبق قوانین طبیعت بار آمده است، او از طبیعت و طبیعت از او منتهای استفاده را خواهد کرد و یکدیگر را یاری خواهند نمود. او و طبیعت بخوبی باهم سازش خواهند نمود، طبیعت چون مادر، هربانی او را در آغوش خود پرورش خواهد داد و او چون دست و زبان، چون شخصیت مجسم و چون فرد کامل طبیعت خواهد بود

### خلاصی از سم نیکوتین

در این تصویر چوب سیگاری دیده میشود که اندک زمانی پس از اختراع دو



میلیون نفر از معاندان سیگار با استعمال

آن مبادرت کردند. این چوب سیگار که

ژئوس نام دارد استعمال کنندگان

سیگار را از سم مهلك نیکوتین در

امان میدارد و ۷۰ درصد از این سم

را جذب کرده مانع دخول در ریه

میشود بدون آنکه طعم سیگار را خراب کند.

در میان این چوب سیگار جای

مخصوصی برای نهادن یک سیگار در

آنست و این سیگار بهتر از هر وسیلهٔ دیگر که تاکنون اختراع شده از عهدهٔ تصنیف نیکوتین برمیآید و

با گذاشتن هر یک از این سیگارها میتوان از ۳۰ تا ۴۰ سیگار کشید. در این تصویر چوب

سیگار در حال استعمال و ساختمان آن نشان داده میشود.